



علی سید طاهرالدینی

کارآفرینی، خلاقیت، نوآوری و سازمانهای آینده

می گیرد. نوآوری تبلور ملموس یک فکر بکر و ناب محسوب می شود که در قالب یک مفهوم، محصول و یا خدمت جدید ارائه گردیده است. فعالیت کارکنان نیز منجر به رفاه و توسعه‌ی همه جانبه‌ی زندگی بشر می شود. نوآوری و کارآفرینی را می توان به گروه ها و سازمانها نسبت داد. ولی خلاقیت، فرآیندی است که در ذهن فرد انجام می شود و منجر به ابداع یک فکر بکر می گردد. خلاقیت یک بازی یک نفره است، بنابراین شالوده‌ی دانش بشری خلاقیت، تحقیق و پژوهش است و مبنای همه‌ی آن ها خود انسان و تجربه‌ی اوست.

■ خلاقیت:

می توان گفت "خلاقیت بذر درخت دانش است که صفات ارثی این دانه براساس جهش تکاملی روی شاخه‌ای از شجره‌ی دانش کهن

نفث و کوه طلا نیست بلکه به داشتن نیروی انسانی خلاق و فرهیخته است. با بهره گیری از اطلاعات روز آمد است که سازمانها می توانند به نیازهای محیط اطراف خود پاسخ دهند و بقاء خود را تضمین نمایند. بهره گیری از اطلاعات، بدون افراد مطلع و مبتکر امکان پذیر نیست. از این رو سازمانها برای بقاء خود، نیازمند اندیشه های نو و نظرهای بدیع و تازه هستند و افکار و نظرهای جدید به مانند جریان خون در پیکر و اندام سازمان می باشد. امروزه سازمان ها ناگزیرند به ریسک پذیری، خلاقیت، و اندیشه های افراد لایق و شایسته تکیه کنند.

■ مفاهیم خلاقیت و نوآوری:

گنجینه‌ی دانش امروز، میراث اندیشه‌ی خلاق و آموخته‌های پیشینیان است. تولید دانش از تحقیق، پژوهش و خلاقیت سرچشمه

در این برهه از زمان در ترکیب بندی جامعه‌ی ما نیروی جوان، قسمت بیشتر آن را تشکیل می دهد و ساختار جمعیت کشور یک ساختار جوان می باشد و اکثر جوانان نیز تحصیل کرده و بیکار می باشند لذا توجه به خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی از اولویت ویژه برخوردار است. تحولات برق اساسی در زمینه‌ی الکترونیک، انقلاب در ارتباطات و مطرح شدن نیروی انسانی کیفی و فن آور به عنوان سرمایه‌ی لایتناهی، خلاق و نوآور، ضرورت استفاده از این ظرفیت انسانی و کارآفرین را به عنوان یک اصل در آورده است. امروزه برعکس گذشته تحول، پیشرفت فن آوری، سرمایه، فرهنگ عدالت، دین و... رنگ انسانی به خود گرفته و کشورها می توانند با نیروی انسانی کارآمد کارآفرین و خلاق و از آن چه هست، همه چیز بسازند و خاک سیاه را به زر تبدیل نمایند. عزت و پیشرفت به داشتن دریای

اینکه پاسخ مستدل نیست و امکان تولید وجود ندارد و راه کل به شکست انجامیده است یا اینکه راه حل توانسته ما را به هدف نزدیک کند.

■ فرآیند نوآوری:

نوآوری تبدیل خلاقیت (ایده نو) به عمل و یا نتیجه سود است.

۱- نیاز به فرصت: در این مرحله معمولاً در سازمان مشکلی پیش می آید یا مدیران از فرآیند ناراضی اند. لذا احساس می شود که باید نوآوری در سیستم به وجود آید.

۲- نظر یا ایده، ارائه ی حل جدیدی برای انجام کارهاست که در قالب نظر، طرح و یا برنامه می تواند ارائه گردد.

۳- پذیرفتن در این مرحله ی ارزیابی صورت می گیرد و مدیران و یا خود فرد تصمیم می گیرند که آن ایده را اجرا کنند.

۴- اجرای مرحله است که فرد یا سازمان به ایده، روش یا ساختار جدید جامعه عمل می پوشاند و منابع انسانی و مالی را برای اجرای ایده تدارک می بیند.

■ فرآیند کارآفرینی

۱- مرحله ی مقدماتی: شخص ابتدا تصمیم می گیرد، سپس فرصتی را تشخیص می دهد و ایده ای برای استفاده از آن فرصت در ذهن او جرقه می زند و بعد آن ایده را روی کاغذ آورده و نظم می دهد و به شکل یک طرح شغلی (Business plan) در می آورد.

۲- مرحله ی تأسیس: در این مرحله شخص شروع به تدارک و سازماندهی منابع برای شرکت تازه پا می کند و منابع اساسی را مطابق با طرح مقدماتی یا شغلی ترکیب می کند تا بتواند کسب و کار خود را شروع کند.

۳- مرحله ی توسعه: شخص در این مرحله کانال هایی را برای ارتباط با بازار کشف و محصول خود را وارد بازار می کند. آنچه در دستور کار بنگاه برای توسعه ی بنگاه قرار می گیرد عبارتست از: تأمین سرمایه ی در گردش، تأمین مواد اولیه، ایجاد شبکه ای در بازار و مدیریت منابع انسانی، عملیاتی و امور اداری.

■ کارآفرین کیست:

کارآفرین کسی است که سازماندهی، مدیریت

و شرکتهای نوآور نموده که توام با پذیرش مخاطره و است و منجر به معرفی محصول یا خدمت جدید به جامعه می گردد. برای ایجاد ارتباط متقابل بین بازار، مراکز تولید و فعالیت های تحقیقاتی و ارتباطی، وجود افراد کارآفرین و با جرأت ضرورت دارد لازم است که جوانان تحصیل کرده با اصول کارآفرینی آشنا بشوند، استعدادها و آموخته ها و دانش خود را از قوه به فعل در بیاورند و تکنیکهای خلاقیت را در خود به کار برند. و این کار مستلزم آموزش است. داشتن مواد خام نیروی انسانی ارزان و آموزش ندیده در دنیای کنونی نمی تواند یک ارزش و امتیاز باشد. و تنها از طرح کارآفرینی و آموزش آن به جوانان و نسل جدید است که می توان حلقوم جامعه را از چنگ آهنین بی کاری رها کرد.

■ فرآیند خلاقیت و نوآوری

کارآفرینی:

فرآیند شکل گیری راه حل های خلاق و گامهایی که در این فرآیند برداشته می شود فرآیند خلاقیت می باشد. الگوی جالبی از خلاقیت شامل چهار مرحله ی اساسی عرضه ی مسئله، آمادگی، ایجاد پاسخ و اثبات پاسخ است.

در مرحله اول انگیزه تأثیر مهمی دارد. چراکه برای شروع فرآیند خلاق وجود انگیزه ضروری است و در مرحله ی دوم آمادگی برای پاسخ به راه حل است. بررسی، جستجو، مطالعه و جمع آوری مدارک در خصوص موضوع انجام می پذیرد. به رغم باور عموم این مدل حاکی از آن است که اطلاعات بیشتر موجب خلاقیت بیشتر نمی شود. بیشتر اوقات افرادی که تازه وارد یک رشته شده اند خیلی بیشتر از افرادی که مدت طولانی در آن زمینه تلاش کرده اند، کار خلاق عرضه می کنند. همان گونه که تحقیقات تجربی نشان می دهند دانش مهم نیست بلکه راه کسب آن مهم است. در مرحله ی سوم جستجوی حافظه و محیط اطراف برای ایجاد راه حل ممکن است که انگیزه و مهارتهای خلاقیت در این مرحله موثر است. در مرحله چهارم که آزمایش پاسخ ممکن در مقابل اطلاعات و معیارهای واقعی دیگر است. مهارتهای مربوط به موضوع ضرورتی است که بتوان پاسخ ممکن را با مقیاس و اطلاعات موجود مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که آیا راه حل ممکن موفقیت آمیز بوده یا

شکل می گیرد. روشن است که ما نمی توانیم با موهبت خدا داده چیزی خلق کنیم. اساس و جوهره ی همه چیز قبلاً به وجود آمده است. مواد، عناصر، ترکیبات یا چیزهایی که می تواند ساخته شود و یا به وجود آید، در عالم وجود دارد. انسان ها قادر نیستند از هیچ چیز، چیز جدیدی بسازند. فقط قادرند آنچه را که وجود دارد برای خلق آن چه موجود نیست، تفکیک، ترکیب و ارزشیابی نمایند. اگر خلاقیت را با فکر محدود تعریف کنیم، آفرینش چیزی که وجود ندارد، بدون هرگونه زمینه و مواد قبلی آنگاه تنها خداوند است که می تواند خلق کند.

■ نوآوری:

"نوآوری، معرفی و کاربرد آگاهانه ی ایده ها، برای طراحی و ارائه ی محصولات، خدمات یا فرآیند جدید است که منجر به تأمین نیاز افراد، گروهها، سازمانها و یا اجتماع می شود." (west and fart. ۱۹۹۰) یعنی نوآوری فکر، اندیشه و ایده را از قوه به فعل در می آورد.

■ کارآفرینی:

"کارآفرینی نتیجه فرآیند سیستماتیک کاربرد خلاقیت و نوآوری، در تأمین نیازها و استفاده از فرصت های موجود در بازار است. کارآفرینان ایده های خلاق خود را از طریق انجام اقداماتی هدفمند (بایه یک کسب و کار جدید) به واقعیت تبدیل می کنند. کارآفرین، فردی نوآور است که با شناسایی فرصتها، بسیج منابع و قبول مخاطرات، کسب و کاری را برای عرضه ی محصول و یا خدمتی جدید به بازار با هدف کسب سود راه اندازی می کند. این فرآیند منجر به افزایش ثروت و رفاه اجتماعی، توسعه ی خلاقیت و نوآوری، پیشرفت تکنولوژی و ایجاد اشتغال می گردد."

مفهوم کارآفرینی (Entrepreneurship) اولین بار در فرانسه برای افرادی به کار می رفت که در جنگ سده ی شانزدهم میلادی در مأموریت های نظامی خود را به خطر می انداختند و به استقبال مرگ می رفتند و بعدها این واژه به کسانی اطلاق می شد که مخاطره یک فعالیت اقتصادی را می پذیرفتند و دست به یک نوآوری می زدند. کارآفرینی فرآیندی است که فرد کارآفرین با ایده های نو، شناسایی فرصتهای جدید و بسیج منابع، مبادرت به ایجاد کسب و کار



”به تمثیل می توان گفت
”خلاقیت بذر درخت دانش است”
صفات ارثی این دانه ”براساس جهش
تکاملی” روی شاخه ای از شجره
دانش کهن شکل می گیرد.

”کارآفرینی نتیجه فرآیند سیستماتیک
کاربرد خلاقیت و نوآوری، در تأمین
نیازها و استفاده از فرصت های موجود
در بازار است.

خلاقیت یک پدیده ذهنی است و فرد
خلاق کسی است که فکر و ایده
جدیدی دارد و به دنبال روش جدیدی
برای هر موضوع.

۶- تصمیم می گیرند.

۷- برای آینده برنامه ریزی می کنند.

۸- محصولات خود را با سود می فروشند.
تفاوت کارآفرین با نوآور، مخترع، سرمایه
گذار، و مدیر در خیلی از موارد به خاطر نزدیکی
و وجود تشابهات بین واژه های کارآفرین،
نوآور، مخترع، سرمایه گذار و مدیر آنها را
بجای همدیگر به کار می برد. لذا در ذیل به
تفاوتهای آنها اشاره می شود.

■ خلاقیت:

خلاقیت یک پدیده ی ذهنی است و فرد
خلاق کسی است که فکر و ایده ی جدیدی دارد
و به دنبال روش جدیدی هرکدام از افراد عادی
در مواجهه شدن با شیشه ی کثیف خودرو به این
فکر می افتند که شیشه را تمیز کنند، ولی فرد
خلاق به این فکر می افتد که چگونه می توان
شیشه ای تولید کرد که کثیف نشود.

■ مخترع:

ایجاد کننده ی راه و روش تازه همان مخترع
است. پس مخترع کسی است که محصولی را
برای اولین بار تولید می کند. در مثال فوق
کسی که شیشه ای را تولید کند که کثیف نشود
نیاز به شستن نداشته باشد مخترع است.

■ نوآور:

نوآور کسی است که قابلیت استفاده ی
مقرون به صرفه بودن محصول اختراع شده را
بررسی و در صورت امکان آن را تجاری می
کند. در مثال بالا پس از اختراع شیشه توسط
مخترع فرد نوآور بررسی می کند که شیشه
تولید شده در مقایسه با شیشه های قبلی چه قدر
مقرون به صرفه و اقتصادی است.

■ سرمایه گذار:

سرمایه گذار کسی است که سرمایه مالی را در
اختیار افراد (در این جا منظور افراد کارآفرین است)
می گذارد و در برابر آن در سود و منفعت به دست
آمده نیز شریک شود. در مثال فوق کارآفرین برای
تجاری کردن محصول تازه اختراع شده (شیشه)
احتمالاً به سرمایه زیادی احتیاج دارد. به همین
خاطر با سرمایه گذار صحبت می کند تا از سرمایه
ی او برای انتقال محصول به بازار استفاده کند.

و پذیرفتن خطرهای یک شرکت تجاری را عهده

دار می شود. امروزه کارآفرین، فردی نوآور یا
توسعه گراست که فرصتها را تشخیص می دهد
و آنها به چنگ می آورد سپس آن فرصتها را به
ایده های عمل قابل فروش تبدیل می کند. او
یک نیروی خلاق است. نوآوری کارآفرینان

همواره موجب ارتقاء کیفیت در محصولات و
انقلاب در زندگی روزمره می شود. بنا به دلایل
ذیل شرکت ها و سازمان ها برای حفظ موقعیت
رقابتی و ارتقاء خود در عرصه ی بازار جهانی و
تطبیق با محیط بازرگانی پیچیده، نیاز به نیروی
کارآفرین، نوآور و مبتکر دارند.

۱- کلیه ی فعالیتهای اقتصادی به سرعت
روبه تغییر است.

۲- فعالیتهای اقتصادی به طور سرسام
آوری، وسعت جهانی به خود می گیرد.

۳- رقابت روبه افزایش است.

۴- فن آوری های جدید با سرعت برق به
وقوع می پیوندند.

۵- مهارت های نیروی کار روز به روز
افزایش می یابد.

۶- شرایط بازارهای جهانی دگرگون گردیده

۷- محیط فعالیتهای اقتصادی تغییر می
کند و به مراتب پیچیده تر می شود.
”کارآفرینی فعالیتی شبیه به خلاقیت در هنر و
علم است. کارآفرین باید مانند هنرمند و دانشمند
ایده ای را در خود بپروراند و وقتی ایده ی پیدا شد
باید برای تحقق آن درعمل مبارزه کند. یک
کارآفرین موفق از کمک هایی که به جامعه می
کند لذت می برد. اینگونه خدمات از نظر اهمیت
اگر با ارزش تر از خدمات پزشکان، وکلا و معلمان
نباشند کمتر از آنها نیستند. درعین حال پادشاهای
قابل توجهی در انتظار کارآفرینان موفق است.

فورده، کنی، راکفلر، به خاطر فعالیت های کار
آفرینی خود، ثروت هنگفتی به دست آورده اند.

به طور کلی هشت وظیفه برای
کارآفرینان وجود دارد و عبارتند از:

۱- از موقعیت محیط آگاه می شوند.

۲- برای استفاده از موقعیتهای خود را در خطر
می اندازند.

۳- برای کار سرمایه گذاری می کنند.

۴- نوآوری ها را معرفی می کنند.

۵- کار و تولید را نظم می بخشند.